الباب السابع من الواحد الثانی فی بیان یوم القیمة.

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب السابع من الواحد الثانی** فی بیان یوم القیمة.

ملخص این باب آنکه مراد از یوم قیامت یوم ظهور شجرۀ حقیقت است و مشاهده نمیشود که احدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده باشد بلکه همه موهوما امری را توهم نموده که عند الله حقیقت ندارد و آنچه عند الله و عند عرف اهل حقیقت مقصود از یوم قیامت است این است که از وقت ظهور شجرۀ حقیقت در هر زمان بهر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است

مثلا از یوم بعثت عیسی - علیه السلام - تا یوم عروج آن قیامت موسی بود که ظهور الله در آنزمان ظاهر بود بظهور آن حقیقت که جزا داد هر کس مؤمن بموسی بود بقول خود و هر کس مؤمن نبود جزا داد بقول خود زیرا که ما شهد الله در آن زمان ما شهد الله فی الانجیل بود

و بعد از یوم بعثت رسول الله - صلی الله علیه و اله - تا یوم عروج آن قیامت عیسی - علیه السلام - بود که شجرۀ حقیقت ظاهر شده در هیکل محمدیه و جزا داد هر کس که مؤمن بعیسی بود و عذاب فرمود بقول خود هر کس که مؤمن بآن نبود

و از حین ظهور شجرۀ بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله - صلی الله علیه و اله - هست که در قرآن خداوند وعده فرموده که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنۀ هزار و دویست و شصت که سنۀ هزار و دویست و هفتاد بعثت میشود اول یوم قیامت قرآن بود و الی غروب شجرۀ حقیقت قیامت قرآن است زیرا که شیئ تا بمقام کمال نرسد قیامت اون نمیشود و کمال دین اسلام الی اول ظهور منتهی شد و از اول ظهور تا حین غروب اثمار شجرۀ اسلام آنچه هست ظاهر میشود

و قیامت بیان در ظهور ”من یظهره الله“ است زیرا که امروز بیان در مقام نطفه است و در اول ظهور ”من یظهره الله“ آخر کمال بیان است ظاهر میشود که ثمرات اشجاریکه غرس کرده بچیند چنانچه ظهور قائم آل محمد - صلی الله علیه - بعینه همان ظهور رسول الله است ظاهر نمیشود الا آنکه اخذ ثمرات اسلام را از آیات قرآنیه که در افئدۀ مردم غرس فرموده نماید

و اخذ ثمرۀ اسلام نیست الا ایمان باو و تصدیق باو و حال که ثمره بر عکس بخشیده در بحبوحۀ اسلام ظاهر شده و کل بنسبت باو اظهار اسلام میکنند و او را بغیر حق در جبل ماکو ساکن میکنند و حال آنکه در قرآن خداوند کل را وعده بیوم قیامت داده زیرا که آن یومی است که کل عرض بر خدا میشوند که عرض بر شجرۀ حقیقت باشد و کل بلقاء الله فائز میگردند که لقاء او باشد زیرا که عرض بذات اقدس ممکن نیست و لقای او متصور نه و آنچه در عرض و لقاء ممکن است راجع بشجرۀ اولیه است و خداوند طین را بیت خود قرار داده که کسی که یوم قیامت عرض بر شجرۀ حقیقت میشود از اقرار بعرض او و از لقای او بلقای او مستبعد نگشته

و تسع تسع عشر عشر آنی از یوم قیامت بهتر است از آنچه سنین ما بین القامتین میگذرد زیرا که ثمرۀ این سنین در یوم قیامت ظاهر میشود چنانچه ثمرۀ هزار و دویست هفتاد سال اسلام از اول این ظهور تا آخر این ظهور که اول غروب شمس حقیقت است خواهد شد و اول این ظهور تا ظهور ”من یظهره الله“ راجع میشود ثمرۀ آن بقیامت اخری که ظهور او است

ای اهل بیان ترحم بر خود نموده و طول لیل خود را در یوم قیامت باطل نکرده چنانچه محتجبین قرآن کرده که هزار و دویست و هفتاد سال افتخار باسلام کنند و در یوم اخذ ثمره که یوم قیامت است حکم بر غیر اسلام بر ایشان شود که ایشان بهمین حکم باطل میشوند الی قیامة الاخری

چه بسا نفسی که از اول عمر ریاضتها کشیده و مجاهده ها نموده از برای رضای خدا و اگر قائم آل محمد - صلی الله علیه - را در خواب میدید بخواب افتخار مینمود و حال که ظاهر شده بظهور الله که اظهر از هر ظهوری است بآیات و بیناتی که دین اسلام بآن ثابت است عرض بر خدا که نمیشود در جای خود ثمرۀ ایمان خود را که ظاهر نمیکند در جای خود از برای آنچه که خلق شده قائم نمیشود بر جای خود فتوی میدهد بر کسی که شب و روز باو توجه بخداوند میکند ﴿و ایاک نعبد﴾ میگوید و اگر باین هم راضی شود باز در جای خود باین هم راضی نمی شود بلکه بر اولیای حق میخواهد حزن وارد آورد

ای اهل بیان نکرده آنچه اهل قرآن کردند که ثمرات لیل خود را باطل کنید اگر آنچه که مؤمن ببیان هستید در حین ظهور آیات او گفتید الله ربنا و لا نشرک به احدا و ان هذا ما وعدنا الله من مظهر نفسه لن ندعو معه شیئا و بآنچه بر او هستید اطاعت او کردید ثمرۀ بیان را ظاهر کرده اید و الا لایق ذکر نیستید نزد خداوند

ترحم بر خود کرده اگر نصرت نمی کنید مظهر ربوبیت را محزون نکرده که ظاهر میشود بمثل آنکه من ظاهر شدم و عود میفرماید خلق بیان را و حال آنکه در قلوب شما خطور نکرده دون ایمان خودتان سرعت کنید در اجابت خدا و تصدیق بآیات او که او است اجابت ”من یظهره الله“ و تصدیق کلمات او و بهیچ شیئ از محبوب خود محتجب نگشته که اگر از کلام آن حکمی صادر شود الی یوم القیمة خواهد بود و بهمان اهل جنت در جنت متنعم و اهل نار در نار معذب خواهند بود

و حال که یوم قیامت است محل فصل القضاء در این جبل است و کل بگمان رضای او میکنند آنچه میکنند و بر او راضی میشوند آنچه بر نفس خود راضی نمیشوند و اگر عهد کنید با خداوند خود که راضی نشوید بر هیچ نفسی الا آنچه از برای نفس خود راضی میشوید لعل در قیامت اخری اگر بلقاء الله فائز نمیگردید آیة الله را هم محزون نکرده باشید از نفع کل متدینین ببیان میگذرد هرگاه شما از ضرر باو بگذرید اگر چه میدانم نخواهید کرد چنانچه من در این قیامت از نفع متدینین بقرآن گذشتم و لیکن شماها از ضرر رسانیدن خود نگذشتید و هیچ ناری اشد نیست از برای شما عند الله که شب و روز توجه کنید بمن بسوی خدا و حکم کنید بر من آنچه بر نفس خود راضی نمیشدید و سیحکم الله بینی و بینکم بالحق انه هو خیر الحاکمین.

